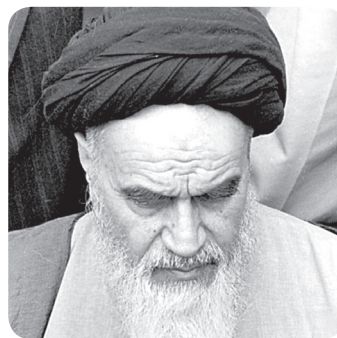




روزنامه خامة روزانه مصرع الحرام ۱۴۳۸



مسأله را باید زنده نگه داشت. در ماه محرم تمام کسانی که منبر می‌روند، واعظ هستند، نوحه‌خوان هستند، تمام دستجات باید در رأس امورشان این مسأله قرار داده شود. سیدالشهدا، برای این بود شهادتش، برای این بود که اقامه بشود عدل الهی.

حضرت امام خمینی (ره)، ۱ شهریور ۱۳۶۶

دنیازدهها حسین(ع) را به مسلخ فرستادند



ای آگاهان امت!

- ای مردم! عبرت بگیرید از موعظه‌ای که خداوند به دوستان خود در قرآن می‌فرماید. اگر شما خود را اولیای خدا می‌دانید، و اگر دین‌دارید و مخاطب قرآن هستید پس بی‌تفاوت نمانید و احساس تکلیف کنید! آیا ندیده‌اید که خداوند چند بار در قرآن به روحانیون مسیحی و یهودی به شدت حمله فرموده و آن‌ها را توبیخ کرده است که چرا مردان خدا در جامعه و حکومت، بی‌عدالتی و فساد دیدند و سکوت کردند؟ چرا اعتراض و انتقاد نکردند؟ و فریاد نکشیدند؟

و نیز فرمود: «فترین بر کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند. آن‌ها که امر به معروف و نهی از منکر نکردند، و چه بد عمل کردند.»

برش‌هایی از خطبه امام حسین(ع) در برابر علمای اسلام و صحابی معروف پیامبر(ص) در سرزمین منا یک سال قبل از واقعه عاشورا

خواهند شد. آن وقت، یزیدها بر سرکار می‌آیند و بنی‌امیه هزار ماه بر کشوری که پیغمبر به وجود آورده بود، حکومت خواهند کرد و امامت به سلطنت تبدیل خواهد شد! رهبر معظم انقلاب اسلامی

دنیوی، آنجا که پای امتحان سخت پیش می‌آید، می‌توانید از آن متاع‌ها به راحتی دست بردارید، آن وقت حساب است. می‌بینید که حتی خواص طرفدار حق هم به دو قسم تقسیم می‌شوند. این مسائل، دقت و مطالعه لازم دارد. برحسب اتفاق نمی‌شود جامعه، نظام و انقلاب را بیمه کرد. باید به مطالعه و دقت و فکر پرداخت. اگر در جامعه‌ای، آن نوع خوب خواص طرفدار حق؛ یعنی کسانی که می‌توانید در صورت لزوم از متاع دنیوی دست بردارند، در اکثریت باشند، هیچ وقت جامعه‌ی اسلامی به سرنوشت جامعه‌ی دوران امام حسین علیه‌السلام مبتلا نخواهد شد و مطمئناً تا ابد بیمه است. اما اگر قضیه به عکس شد و نوع

خواص طرفدار حق، دو نوع‌اند. یک نوع کسانی هستند که در مقابله با دنیا، زندگی، مقام، شهوت، پول، لذت، راحت، نام و همه‌ی متاع‌های خوب قرار دارند. این‌هایی که ذکر کردیم، همه از متاع‌های خوب است. هم‌ه‌اش جزو زیبایی‌های زندگی است. «متاع الحیاة الدنیا». متاع، یعنی بهره. این بهره‌های زندگی دنیوی است. در قرآن که می‌فرماید «متاع الحیاة الدنیا»، معنایش این نیست که این متاع، بد است؛ نه. متاع است و خدا برای شما آفریده است. منتها اگر در مقابل این متاع‌ها و بهره‌های زندگی، خدای ناخواسته آن قدر مجذوب شدید که وقتی پای تکلیف سخت به میان آمد، نتوانستید دست بردارید، و او یالاست! اگر ضمن بهره بردن از متاع‌های

عالم همه خاک کربلا بایدمان
پیوسته به لب خدا خدا بایدمان
تا پاک شود زمین ز انبای یزید
همواره حسین مقتدا بایدمان
سید حسن حسینی



در تمام کربلاها خواهیم بود

کسانی که به ولایت امام اعتقاد ندارند بر جنازه من حاضر نشوند. سلام مرا به رهبر عزیزم، پدر یتیمان برسانید و به خانواده شهدا بگویید که تا آخرین قطره خونمان صحنه‌های نبرد حق علیه باطل را ترک نخواهیم کرد، و با خداوند پیمان می‌بندیم که در تمام عاشورا و کربلاها، حسین (ع) زمان را تنها نگذاریم و سنگرها را خالی نخواهیم کرد و تا هنگامی که پرچم لا اله الا الله در تمام جهان به اهتزاز در نیاید و احکام اسلام و قرآن در زیر پرچم توحید و اسلام به اجرا در نیاید ساکت نخواهیم نشست.

از وصیت‌نامه شهید محسن یورقاسمی



منطق

داستانک‌های به سوگ نشسته | مهدی نورمحمدزاده

«شماها مثلاً دانشجو هستید! چطور ممکنه در يك جنگ مردانه، به گلوی يك طفل شیرخواره تیراندازی بشه؟! این قصه‌ها ساخته و پرداخته‌ی افراطی‌هاست برای تحريك عاطفه...»

استاد می‌گفت و من بی‌خیال حرفهایش، غرق تصاویر خبری صفحه گوشی‌ام شده بودم. تصاویر اطفال شیرخواره‌ی یمنی که با لالایی بمب‌های سعودی به خواب رفته بودند!

هیئت اسلام ناب

حجت الاسلام مجتبی نامخواه

بصیرت‌افزایی‌هایی سیاسی انفعالی و غیر معرفتی داشته باشیم. از طرف دیگر می‌کوشند دیدگاه بنیادین امام خمینی درباره اسلام ناب- اسلام آمریکایی را «تحدید» کنند. تحدید جغرافیایی و مذهبی؛ مثل این که گفته می‌شد امام این مفهوم را صرفاً برای اشاره به عربستان و وهابیت به کار برده در حالی که نص پیام‌های امام غیر از این را می‌گوید. امام می‌گفتند این دعوا را ما اول با حوزه‌های علمیه شیعه قم و نجف و مشهد داریم. خب در این چارچوب نقش کنونی هیئت چه می‌تواند باشد؟ کار هیئت در این روند در درجه اول بر هم زدن این فضای مرده است؛ اول بازتولید این درگیری معرفتی است و سپس در درجه دوم بازنمایی تصویری است که امام خمینی در تئوری اسلام ناب‌شان از سیره اهل بیت (ع) ارائه می‌دهد.

در می‌آید، رشد می‌کند و بعد که کار بیخ پیدا کرد آن وقت به فکر می‌افتیم که با بسیط‌ترین صورت ممکن علیه یک‌سری معلول‌ها



از منظر امام خمینی، درگیری اسلام ناب با اسلام متحجرین و اسلام متجددین بسیار عمیق است و به مسئله جدایی دین از سیاست محدود نمی‌شود. مسئله این نیست که مثلاً متحجرین یا متجددین، سکولارهای عملی یا سکولارهای نظری می‌گویند اسلام منهای سیاست و خط امام می‌گویند اسلام به علاوه سیاست. پس گویی دعوا سر یک به علاوه و منهای است. سر قبلیش نوعی اشتراك نظر هست. در حالی که به طور کلی بین این دو اسلام در اصل تفسیری که از سیره ائمه معصومین (ع) هست اختلاف نظر وجود دارد.

در مفهوم ولایت، در معنای امر به معروف، در تعریف غدیر و در تصویر عاشورا و انتظار و حتی در برداشتی که از قرآن و اساس هستی و توحید مطرح هست نیز این نزاع معرفتی ادامه دارد و اختلاف‌های بنیادین و عمیقی وجود دارد. یعنی تفسیری که از سیره امام حسین (ع) توسط اسلام متحجرین یا اسلام سرمایه داری ارائه می‌شود با تفسیر اسلام ناب بسیار متفاوت است و ما با دو تصویر متفاوت از امام حسین مواجهیم؛ درگیری این دو اسلام فقط در یک سری از تاکتیک‌های سیاسی نیست و عمیق‌تر از این است.

برخی با اصل این دیدگاه امام خمینی نمی‌توانستند در بیفتند، سعی کردند آن را مسکوت بگذارند و تا حد امکان محدود کنند. به این جهت است که درک اغلب امروزه این است که انقلاب اسلامی «صرفاً» حرکتی بود علیه لامذهبی‌های رژیم طاغوت. می‌خواستند دین را از بین ببرند. خب الان يك هیئت انقلابی باید چه کار کند، باید دین را ترویج کند؛ پس می‌خواستید چه ترویج کند! یعنی يك فضای مبهم که از دل آن هر برداشتی از دین

آنچه حسین (ع) می‌خواست

از سخنان یاد شده چند نکته اساسی زیر استفاده می‌شود:

۱. مبارزه با ستم ستمگران و متجاوزان به حدود و قوانین دین واجب است. این برنامه باید سرلوحه زندگی امت اسلامی در گستره تاریخ در هر سرزمینی باشد.
۲. سکوت در برابر حاکم ستم، گناهی بس بزرگ و در حد گناه همان حاکم ستم است.
۳. حکومت یزیدی از مصادیق حاکمان ستم و متجاوزان به حدود و قوانین الهی است از این روی مبارزه با او نیز تکلیف الهی است.

و پیروان آنها به عنوان نمونه و مصداقی از سخنان پیامبر گرامی اسلام یاد کرده و می‌فرماید: «مردم آگاه باشید که بنی‌امیه و اتباع آنها پیرو شیطانند و از پیروی و بندگی خدای بخشنده سرپیچی کرده‌اند، فساد و تباهی را آشکار ساخته‌اند و حدود الهی را تعطیل کرده‌اند و اموال مردم را به خود اختصاص داده‌اند. حرام خدا را حلال و حلالش را حرام کرده‌اند. من از هر کس شایسته‌ترم که وضع موجود را تغییر دهم... پس لازم است از روش من پیروی کنید زیرا عمل من برای شما حجت و سرمشق است...»

امام حسین (ع) در يك سخنرانی در منزل «بیضه» در برابر سپاهیان حرّ فرمودند: «ای مردم! رسول خدا (ص) فرمود: اگر کسی حاکم ستمگری را ببیند که حلال خدا را حرام می‌کند، عهد و پیمان الهی را می‌شکند، و با سنت رسول خدا مخالف است، و با بندگان خدا به ستم و بیدادگری رفتار می‌کند، پس با گفتار و کردار در برابرش نایستد بر خداست که این فرد را نیز با همان حاکم ستمکار محشور کند.» (تاریخ الامم و الملوك، طبری، ج ۴، ص ۳۰۴)

آن بزرگوار سپس از بنی‌امیه